

۵۰۰ روز با نیما

بررسی و تبیین اشعار تبری نیما یوشیج

تألیف

عادل جهان آرای



انشارات آرون

سرشناسه	: جهان آرای، عادل، ۱۳۴۲
عنوان قراردادی	: روجا (مجموعه اشعار تبری نیما). شرح
عنوان و نام پدیدآور	: پانصد روز با نیما، بررسی و تبیین اشعار مجموعه تبری روجا نیما یوشیج/تالیف: عادل جهان آرای
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	: ۵۰۲ ص.
شابک	: ۷ - ۵۹۸ - ۲۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌بسی	: فیفا
موضوع	: نیما یوشیج، ۱۲۷۴-۱۳۳۸، مستعار. روجا (مجموعه اشعار تبری نیما) نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی - شعر مازندرانی - قرن ۱۴ - تاریخ و نقد
موضوع	: Persian Poetry- Mazandarani Poetry- 20 th century- History and Criticism
شناسه افزوده	: نیما یوشیج، ۱۲۷۴-۱۳۳۸، مستعار. روجا (مجموعه اشعار تبری نیما) شرح
رده‌بندی کنگره	: ۹۰۸ ج ۹ / ۱۱۹۱ ر ۸۲۸۲ PIR
رده‌بندی دیوپی	: ۸۵۱/۶۳
شماره کتابخانه ملی	: ۵۲۰۸۱۲۸



انتشارات آرون

پانصد روز با نیما

بررسی و تبیین اشعار مجموعه تبری روجا نیما یوشیج

تالیف: عادل جهان آرای

ناشر: انتشارات آرون

صفحه آرا: فروزنده ناصری آلاشتی

چاپ اول: ۱۳۹۷

چاپ صدف: ۱۱۰۰ نسخه

۵۲۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - خیابان وحید نظری - نرسیده به خیابان منیری جاوید

تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

پلاک ۱۰۵ - واحد ۳

وبسایت: www.Aravnashr.ir

ایمیل: Aravnashr@yahoo.com

مِ اِتا گپ

(یک حرف من)

نیما در مجموعه روحای خود، سخنش را با جمله «مِ اِتا گپ» آغاز کرد، من هم به رسم ایشان سخنم را با این جمله آغاز کردم.

شکی نیست که شناخت نیما نه خیلی راحت است و نه می‌توان مدعی شد با خواندن چند کتاب یا نوشتن متن یا کتاب‌هایی می‌توان نیما را شناخت. از وقتی که اشعار تبری نیما را خواندم - شاید بیشتر از ۴۰ سال پیش - و با آن انس فراوان گرفتم، تاکنون بر این عقیده استوار شدم که شناخت نیما، خصوصاً دیدگاه‌هایش بسیار سخت است. او به قول خودش مانند همان الماس درون کوه است که حتی اگر بتوان به آن الماس دست یافت، اما ذات چند وجهی و ذرات بی‌شمار الماس وجهی او باعث می‌شود که نمی‌توان همه وجوه آن را بازشناخت. البته این گستردگی وجودی نیما بیشک با ترکیب شعر، رسی و تبری او به اضافه منتزعات ادبی و داستانی‌اش صد چندان می‌شود.

یکی از کارهایی که نیما قصد از نام آن را داشت، این بود که شعر را به صورتی درآورد که بتواند وصف‌کننده یک واقعه به طور کامل باشد. در حقیقت نوعی رجوع به شعر منشور را هدف گرفته بود، اما نیما وقتی در شعرهای موزونش حرف می‌زند، گوشه‌چشمی به همان شعر خالص ندارد؛ این که یک واقعه را بیان کند و هدفش شعرسازی صرف نباشد.

نیما همان شاعری است که «ماخ» یا به قول ازنی‌ها «چمبر» کاو نغری از نگاه او «طرب‌آور» است و به گوش او خوش می‌نشیند. پیش از او ده‌ها شاعر بومی را یا تبری‌سرا بارها و بارها صدای نعره گاوها را شنیدند اما چیزی فهم نکردند که بتواند برداشتی شاعرانه باشد. یا «کک‌کی» در قامتی دیگر و با صدا و هیبت تازه رخ می‌نماید.

در باره شعرهای فارسی نیما فراوان نوشته‌اند و آئینه هم فراوان‌تر خواهند نوشت. اما در باره شعرهای تبری این شاعر مازندرانی کارهای زیادی وارد دنیای نشر نشده است. یک کسانی که باید در این زمینه نظر بدهند و تفسیر و تأویلی بر شعرهای تبری نیما بزنند، بهتر است - چه بسا ضرورت دارد - که مازندرانی باشند و زبان، زمان و زمین شعر نیما را درک کنند و حتی مهم‌تر آنکه بر وجه زندگی روستایی شاعران باشند که در آن صورت کاری درخورتر و زیباتر ارائه خواهد شد. تا قبل از سال ۹۳، بیشک مجموع کارهایی که در باره اشعار تبری نیما نوشته شده، هم از نظر مقاله‌های منتشر شده در نشریات و هم از نظر کتاب‌های تألیفی، شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نبوده است.

اما این کتاب بعد از آن گرد آمد که شعرهای تبری نیما را هر روز - به مدت ۳۰ سال - در روزنامه همشهری مازندران منتشر کردم و به فراخور حس و توانایی و درکی که از شعر نیما داشتم و در عین حال فضای موجود در باره اشعار تبری او، متنی به عنوان خوانش می‌نوشتیم. در طول این ۳۰ سال که هر روز شعر نیما را می‌خواندم، سعی می‌کردم تا جایی که ممکن بود از چهره‌های فرهنگی و ادبی مازندران، که به صورتی با اشعار تبری آشنا بودند، مشورت کنم یا حتی با کسانی که محیط زندگی نیما را می‌شناختند وارد گفت‌وگو شوم تا بتوانند بخشی از کمبودهای اسنادی من از زندگی نیما یا اصطلاحاتی را که او در شعر تبری به کار برده است، بازشناسی و تکمیل کنند.

در مجموعه اشعار تبری نیما گاه با مواردی از جمله اصطلاحات یا واژه‌هایی روبه‌رو می‌شدم که برای من چندان آشنا نبود. گرچه محیط زندگی اجتماعی و جغرافیایی من با محیط زندگی نیما - به غیر از فاصله زمینی - تفاوت چندانی ندارد، بلکه ما اشتراکات فراوانی از نظر زیست اجتماعی داریم، با این وجود این اشتراکات نمی‌توانست مرا به راحتی وارد دنیای ذهنی نیما یا محیطی او کند. به همین دلیل سعی می‌کردم از هر روزنه‌ای استفاده کنم تا در حد وسیع

داشته‌های من در متن تکمیل‌تر شود. یقین می‌دانم که با این وجود هنوز در شناخت اشعار تبری و تبیین و بررسی آن در آغاز راهیم. می‌توان دفتر شعر نیما را در حوزه‌های مختلف بررسی کرد.

از آنجا که هدف و برنامه من هنگام خوانش اشعار تبری نیما در ستون «نیمای گپ» همشهری مازندران، تقسیم‌بندی عنوان‌های شعر یا ریز شدن در مولفه‌های متعدد شعری آن نبود، بر اساس ضرورت گاه در یک خوانش چند موضوع به صورتی گذرا مطلع نظر قرار می‌گرفت و به دلیل محدودیت فضا از تشریح بیشتر خودداری می‌شد. در فضای روزنامه‌ای اساساً خیلی هم نمی‌توان به تفصیل و توضیح چیزی پرداخت، باید در حد ممکن سخن را کوتاه کرد و چه بسا موجب‌گوی باعث می‌شود نویسنده نتواند همه آنچه را که می‌خواهد بیان کند. گرچه نمی‌خواستم فقط چیزی بگویم و بگذرم، اما محدودیتی که در صفحه و ستون آن بود، لاجرم مرا به سوی نگاه گذرا سوق می‌داد. به این دلیل وقتی کار ادامه پیدا کرد، خوانش برخی از شعرها را در چند نوبت ادامه دادم تا بتوانم کمی به هدفم که توضیح بیشتر دوبیتی‌های نیما بر آن، برسم.

یکی از مشکلات رفتاری روزنامه‌ای علاوه بر کمبود جا و محدودیتی که در نشریه، آن هم در قالب حداکثر یک ستون، به صورت روزمره بود دارد، در نظر گرفتن بسیاری از ملاحظات سیاسی- اجتماعی و فرهنگی نشریه است. از آنجا که مجبور بودم برخی اشعار تبری را بر اساس درکی که از آنها داشتم یا هدفی را که فکر می‌کردم نیما از گفتن آن شعر داشت، به همان صورت بنویسم، اما در کل‌نگاه ممیزی و ملاحظات دیگر گاه برخی از این مطالب کوتاه یا حذف یا آنکه دچار استحاله می‌شدند، این سبب تاهی به ساختار متن لطمه می‌زد و مجبور بودم معنی شعر یا حتی تأویل آن را چنان بنویسم که برای دوست‌نار و مت‌حساسیت کمتری ایجاد کند. ضمن آنکه به دلیل همین ملاحظات نمی‌توانستم برخی از دوبیتی‌های نیما را منتشر کنم. با اگر می‌خواستم با همان معنی واقعی منتشر شود، مجبور بودم معانی آنها را تعدیل کنم؛ خصوصاً اشعاری را که در آن واژه «کیجا» نقش محوری ایفا می‌کرد، بیشتر در تیررس حذف و تعدیل قرار می‌گرفتند. مثل این دوبیتی که «بتم انی، تهم کیجا ز/ نمی‌توانم دختر را زیاد ببینم/ نتم بونیم وی چک پا ز/ نمی‌توانم پر و پایش را ببینم/ کیجای چک پا (وَن ز/ قربان پر و پای دختر بشوم/ اؤندم کؤ ایشم نیشم هیچ جینگ ز/ آن گاه که می‌بینم، جای دیگری را نگاه نمی‌کنم). این نمونه کوچکی از آن خط قرمزهایی بود که در طول ۳ سال با آن روبه‌رو می‌شدم. از یک سو می‌خواستم اشعار این دفتر را در روزنامه منتشر شود و توالی آن به صورت منطقی حفظ شود و از دیگر سوی لازم بود ملاحظات سلیقه‌ای یا گاه دستوری را که بیشتر از سببی اطلاعاتی ناظران از شعر تبری نیما بود، عملی شود.

پیر براه نیست که بگویم نوشتن این ستون به دلیل حرف و حدیث‌ها یا گرفت و گریزی که گاه با آن روبه‌رو می‌شدم، هر روز داستان خاص خود را داشت، به صورتی که برخی مواقع حتی تا مرز جلوگیری از انتشارش می‌رفتند، اما با وجود همه مشکلات، چراغ «نیمای گپ» توانست برای ۳ سال در روزنامه همشهری روشن بماند.

در ستون «نیمای گپ» هدفم فقط این نبود که اشعار تبری نیما را تصحیح کنم یا اشکالات احتمالی آن را مشخص کرده و ابیات درست را جایگزین کنم، اگر گاهی در باره برخی ابیات نکاتی را یادآوری می‌کردم، هدف شناخت و درک بهتر شعر نیما از نگاه خودم بود. شکی نیست تصحیح کامل اشعار تبری نیما به دفتر دیگری نیاز دارد و در آن صورت اساساً ساختار کتاب، مقاله یا تحقیقی در این زمینه با این اثر متمایز خواهد بود. گرچه از ۳ اثر منتشر شده، همیشه استفاده می‌کردم، اما برابر نهادها و تقابل‌ها بسیار نادر است و هدفم بیشتر خوانش خود شعر و تا حد ممکن شناخت دنیای شعر نیما بود. می‌خواستم خوانندگان مازندرانی را با یکی از گوهرهای ادبی استان خودشان آشنا کنم و چه ابزاری بهتر از روزنامه‌ای با گستره توزیع چند هزار تایی در استان.

حال که نوشته‌های ستون «نیمای گپ» به صورت مجموعه‌ای درآمده است، امیدوارم که دوستداران فرهنگ و ادب مازندران از یک سو و دوستداران نیمای یوشیچ و شعر و ادب ایران‌زمین از دیگر سو، این چراغ را روشن نگه دارند و به تبیین بیشتر و بهتر کارهای بومی نیما بپردازند. ضمن آنکه برخی از کارشناسان و زبان‌شناسان اشعار تبری نیما معتقدند که دیوان رواجایی که امروز در دسترس است، غلط‌های املایی فراوانی دارد که شاید به همین دلیل من در طول خوانش با تردیدهایی روبه‌رو می‌شدم.

بنده خاضعانه در مقابل نویسندگان و ادبا و شاعران مازندرانی و غیرمازنی سر تعظیم فرود می‌آورم و اشکالات و نقدهای آنها را از هم‌اکنون می‌پذیرم. اما وظیفه همه دوستداران نیما - چه مازنی‌ها، چه غیرمازنی‌ها - این است که برای شناخت نیما و معرفی او به نسل امروز و نسل‌های آینده از هر امکان خود بهره بگیرند. ما با هر قدم و قلمی که برای شناخت بهتر نیما برمی‌داریم، از نیما شایسته‌تر می‌گیریم.

مجموعه دوبیتی‌ها، نیما با وجودی که به استاد سه منبعی که از آنها بهره گرفته بودم حداکثر ۴۵۶ قطعه بود، اما در این مجموعه شماره‌گذاری دوبیتی به عدد ۵۰۰ رسید که دلیل افزایش شمار دوبیتی‌ها بخشی به خاطر خوانش مجدد یک دوبیتی در شماره و روزهایی مختلف بوده است و گرنه تعداد دوبیتی‌های نیما براساس ضبط آقای «مجید اسدی (راوش)» و مجموعه آثار نیما به سی‌ و نه «سیروس طاهباز» ۴۵۴ عدد است، البته آقای «محمد عظیمی» ۴۵۶ دوبیتی را ضبط کرده‌اند که در طول کار در هر اثر مره بردم و در همین جا بیش از همه از این دو نیم‌پژوه ساعی و سختکوش و علاقه‌مند به فرهنگ و ادب مازندران سپاسگزارم. و یادی کرده باشم از زنده‌یاد «سیروس طاهباز» که شیدای نیما بود و الحق و الانصاف زحمات فراوانی برای نیما کشید و انجام در کنار او در یوش آرام گرفت. ضمن آنکه قدردان مجموعه روزنامه همشهری مازندران از مدیریت و ناظران و برادران بخش استانی آن هستم که این فرصت را در اختیارم قرار دادند تا ۵۰۰ روز در طول ۳ سال - ۱۱ مرداد ۱۳۹۱ - ۱۳ مهر ۱۳۹۱ - به آن مزین به عکس و شعر نیما یوشیچ شود. اشعار این دفتر براساس ترتیب انتشار روزانه با تاریخ روز انتشار و شماره آن تدوین شده است. در انتهای هر خوانش شماره ابیات دو کتاب از آقایان عظیمی و اسدی هم آورده شد تا در بررسی احتمالی خوانندگان به این کتاب‌ها راحت‌تر باشد.

در پایان لازم است از همسر گرامی‌ام خانم «فروزنده ناصری الاشتی» سپاسگزار باشم که در طول این سال‌ها که نیما یوشیچ عضوی از خانواده ما شده است، بار بسیاری از مشکلات زندگی را به دوش کشیدند تا من بیشتر با نیما نجوا کنم و در باره او بخوانم و بنویسم. از دختر عزیزم آرتمیز و محمدمهدی کمائی همسر دای این‌ان که در جمع‌آوری، تدوین و گاه تصحیح مطالب یاری‌ام کردند و مشکلات نرم‌افزاری کتاب با همت آنها برطرف می‌شد. سپاسگزارم.

عادل جهان‌آرای

آلاشت - سوادکوه

تیر ۱۳۹۷